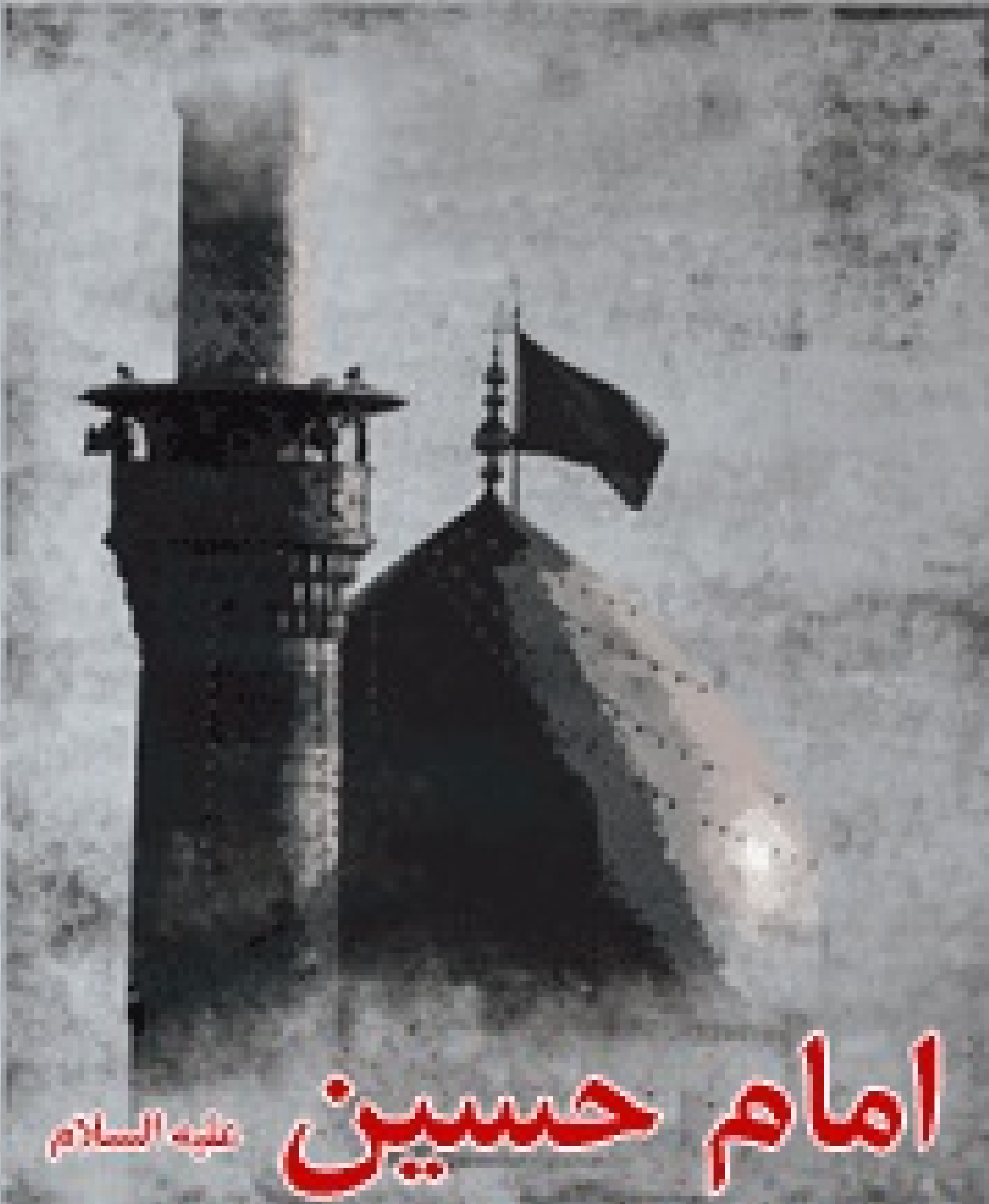


امام حسین علیه السلام و علم به شهادت

سید نورالدین شریعتمدار جزائری

بسم الله الرحمن الرحیم

امام حسین علیه السلام و علم به شهادت

نویسنده:

نورالدین شریعتمدار جزائری

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵

امام حسین (ع) و علم به شهادت ----- ۶

مشخصات کتاب ----- ۶

خلاصه ----- ۶

مقدمه ----- ۶

گستره علم پیامبر و امام ----- ۷

اشاره ----- ۷

دیدگاه عقل ----- ۷

اشاره ----- ۷

نبوت و امامت رهبری الهی است ----- ۸

رهبری پیامبر و امام ----- ۹

خلافت امام ----- ۱۰

اشاره ----- ۱۰

عصمت پیامبر و امام ----- ۱۱

شاهد بودن پیامبر و امام ----- ۱۱

علم امام از دیدگاه قرآن و روایات ----- ۱۲

امام حسین و علم به شهادت ----- ۱۹

اشاره ----- ۱۹

پیروی از حکم شرع با علم عادی ----- ۱۹

شهادت سعادت است ----- ۲۰

روشنگری و ارشاد ----- ۲۰

امر به معروف و نهی از منکر ----- ۲۴

علم به شهادت و حرمت اضرار به نفس ----- ۲۵

درباره مرکز ----- ۲۷

امام حسین (ع) و علم به شهادت

مشخصات کتاب

نویسنده : سید نورالدین شریعتمدار جزائری ناشر : سید نورالدین شریعتمدار جزائری

خلاصه

از دیدگاه عقل هیچ گونه مانعی نیست که پیامبر و امام دارای علمی وسیع و دانشی گسترده باشند و هر چیز را بدانند و چیزی بر آنان پوشیده نباشد.آیات قرآن و روایات بر علم غیب پیامبر و امام تأکید و دلالت دارند، و مراد از آیات و روایاتی که علم را به خدا نسبت می دهند و آن را برای خدا می دانند، علم ذاتی است نه علم موهبتی که از خدا افاضه می شود.روایاتی که از برخی امامان در مواردی مخصوص آمده که ما علم به فلان چیزنداریم از باب تقیه و حفظ جان خود و شیعیان است علم به شهادت برای هر امام و به ویژه برای امام حسین (ع) زیان رسانی به جان و انداختن نفس در هلاکت نبوده زیرا شهادت در راه خدا بالاترین سعادت و رستگاری است و کشته شدن در راه احیای اسلام و امر به معروف و نهی از منکر و ارشاد مردم وظیفه هر مسلمان است پس حرکت برای انجام این وظایف با علم به شهادت خودکشی نیست

مقدمه

از باورهای پرسش انگیز شیعه علم امام حسین (ع) به شهادت خود و یارانش است این پرسش در باره علم دیگر امامان به شهادتشان نیز گفته می شود؛ چرا امیرالمؤمنین (ع) که می دانست به شهادت می رسد به مسجد رفت و به نماز ایستاد؟ و امام حسن (ع) چرا آب زهرآلود را نوشید؟ و گاهی فراتر از موضوع شهادت از علم پر دامنه پیامبر و امامان به گذشته و آینده و امور پنهان پرسش می شود که گستره این علم تا چه مقدار است و این که آیا پیامبر و

امام همه چیز را در هر حال و در هر زمان می دانند و یا علم آنان شروط و قیودی دارد و بخشی از امور از آنان پوشیده مانده است در این نوشتار، تلاش بر این است با نگاهی گذرا در آغاز، علم پیامبر و امام را بررسی نماییم سپس پرسش درباره با علم به شهادت را پاسخ گوییم

گستره علم پیامبر و امام

اشاره

در باور شیعیان درباره علم پیامبر و امام اختلافی نیست از مناصبی که پیامبر و امام در آن با هم مشترک هستند، می توان بر شمرد: فضیلت در علم است و عقیده به این که پیامبر و امام باید از دیگران در علم برتری داشته باشند، و امامت استمرار منصب نبوت بودن و بایستگی هر ویژگی پیامبر برای رهبری امت در امام بنابراین آنچه در این بخش بررسی می شود، درباره پیامبر و امام است و اگر برای پیامبر رتبه ای بالاـ از علم ثابت شد، برای امام نیز همان رتبه ثابت است و امام در تمام صفات رهبری با پیامبر همانند است جز در برخی از صفات که ویژه مقام نبوت است مانند؛ وحی و...بررسی گستره علم پیامبر و امام در این بخش در دو محور انجام می پذیرد، محور اوّل از دیدگاه عقل و محور دوم از دیدگاه قرآن و روایات

دیدگاه عقل

اشاره

در آغاز باید از دیدگاه عقل این موضوع بررسی شود که آیا مانعی در علم گسترده امام وجود دارد؟ و عقل چه مانعی را در وجود این علم درک می کند؟ و چرا امام نمی تواند به هر چیزی آگاه باشد و با وسایل ارتباطی مانند؛ تلفن رادیو، تلویزیون و رسانه های دیگر از شهرها و روستاها و جاهای دور دست خبر دهد و از باطن افراد که هیچ گونه راه عادی برای رسیدن به آن نیست اطلاع داشته باشد؟عقل این گونه علم و خبررسانی را محال نمی داند و مانعی را در دارا بودن آن تصوّر نمی کند. پس از امکان دریافت علم غیب برای پیامبر و امام نوبت

می رسـد به بررسـی لزوم آن و بـاور داشـتن علم گسـترده ای را برای پیـامبر و امـام که تمـام امور مسـلمانان را فرا می گیرد، تا توانایی اداره جامعه اسـلامی و گسترش عـدالت را در تمام ابعاد زنـدگی آنان داشـته باشد.اگر این علم گسترده و فراگیر نبود، ادعای رهبری امّت اثر نداشت و چگونه کسـی که آگاهی به حال مردم ندارد، می تواند سـعادت دنیا و آخرت آنان را تأمین و تضمین نماید.این موضوع با چند دلیل به اثبات می رسد.

نبوت و امامت رهبری الهی است

نبوت و امامت منصب الهی است و مردم هیـچ گونه مـداخله ای در آن نمی کننـد.امام باید از دیگران در کمالات افضل باشد. در حقیقت ملاک گزینش امـام برتر بودن او ازدیگران در تمام صـفات است و اگر در افراد جامعه ای که امام در آن زنـدگی می کند، کسی یافت شود که از امام فضیلت بیشتری دارد، او سزاوار امامت است افضل بودن امام در یک چیز و در یک مورد نیست بلکه در تمام صـفات و جهات است یکی از فضـیلت ها که امام باید رتبه بالای آن را داشته باشد، دانش و آگاهی است امام باید از تمام افراد بشـر داناتر و دانشمندتر باشد، چنان که همانند او در افراد جامعه یافت نشود. اگر کسی در میان مردم هم سـان در دانش بـا امـام پیـدا شود، رسـیدن منصب امامت به هر کـدام از آنان مساوی است و محروم شـدن یکی از آنان از این منصب سـتم درحق اوست در هیـچ زمانی برای امام همتایی نخواهد بود که دانش گسترده و فراگیری چون او داشـته باشد. آن دانش نه با وسایل عادی بلکه از راه غیرعادی و

الهی یـافت می شود، و چون از دانش بی انتهای خـدا سرچشـمه می گیرد و فیضـی از دریای ژرف فیض بخش اوست گسترده است و به هرچیزی تعلق می گیرد، زیرا خداونـد فیاض مطلق است و بخشـش او پایان ندارد. پس دانش را که خداوند به پیامبر و امام می بخشد، به زمان و یاحالتی اختصاص ندارد.

رهبری پیامبر و امام

پیامبر و امام برای راهنمایی تمام افراد بشـر با وجود اختلاف زبان طبیعت رنگ گسترش زمین پراکنده بودن مردم از یک دیگر و بسـیاری از جهت های مختلف که مردم را از هم دور می کنـد، باید سـخن تمامی آنان را بشـنود و با آنان سـخن بگوید، آن گاه تمامی افراد را در اجرای عدالت و احکام خدا برابر بداند و از حال آنان با خبر باشد؛ این گونه اطلاع و خبر داشتن از مردم را، انسـان عـادی نمی توانـد و فقـط انسـانی ایـن ویژگی را دارسـت که از دانش گسـترده خـدادادی بهره می برد.امـام بایـد از دورترین جاهای زمین که مردم در آن زنـدگانی می کننـد با خبر باشـد تا درد و رنج آنان را دریابد و اگر نماینده ای را به آن جاها گسـیل کرد، در هر زمان از او با خبر باشـد تا مبادا او در مقام خود بر مردم سـتم کنـد.اگر امام مانند دیگر افراد عادی در زمـان قـدیم پس از گـذشت ماه ها و سال ها از اخبار دور دست خبرگیری کنـد و یا با وسایل متعارف آن زمان با فاصـله های زمانی بسـیار ازحال دیگران با خبر گردد، سـتم زمین را فرا می گیرد و فساد بر جامعه استیلا می یابـد و هدف و غرضـی که در فرستادن پیامبر و انتخاب امام از

راهنمایی و هدایت مردم است به دست نخواهد آمد و نیک بختی دنیا و آخرت مردم بر رغم وجود امام تأمین نخواهد شد.

خلافت امام

اشاره

پیامبر و امام خلیفه و جانشین خدا در زمین هستند:(واءذ قال ربک للملائکه اءنی جاعل فی الارض خلیفه ؛ زمانی که پروردگارت به فرشتگان گفت من در زمین جانشین قرار می دهم و جانشین او حضرت آدم (ع) بود که پیامبر خداست و تمام پیامبران جانشینان خدایند. جانشینی پیامبر واسطه بودن اوست میان مردم و خدا و فیض رسانی از طرف خدا اوست چون پس از آفرینش جهان خداوند خواست جهانیان او را بشناسند تا با او ارتباط برقرار کنند و با چشم دیدن او ممکن نبود و نمی شد که ذات خود را آشکار کند تا او را ببینند، افرادی از بشر را برگزید و آنان را مظهر صفات خویش قرار داد تا صفات او را بنمایانند و نقش واسطه را ایفا کنند.یکی از صفات خدا علم او به هر چیز و در هر حال است و چون پیامبر مظهر صفات خداست باید در دانش و آگاهی وسیع نیز مظهر خدا باشد. بر مظهر نبودن پیامبر در علم دلیلی وجود ندارد، بلکه همان دلیل بر خلافت و جانشینی که مظهر بودن پیامبر در تمام صفات است علم خدایی را نیز برای او ثابت می کند.روشن است که مقصود از مظهر صفات بودن همانندی پیامبر و خدا در تمام صفات از جهت چگونگی و مقدار نیست زیرا این باور شرک است بلکه مقصود این است که خداوند بهره سرشاری از علم و دانش

خود را بـه پیـامبران داده که دیگر مردم از آن بی بهره هسـتند و علمی را که خداونـد به پیـامبران داده افراد عـادی بشـر به آن دسترس ندارنـد.پس از ثبوت این دانش خـدایی برای پیامبران همین علم برای امام نیز ثابت می شود؛ زیرا امامت خلافت نبوت و امام جانشین پیامبر است و تمام ویژگی های رهبری پیامبر را امام نیز دارد به جز صفات ویژه پیامبر، مانند؛ وحی

عصمت پیامبر و امام

از باورهای شـیعیان درباره پیامبر و امام عصمت و محفوظ بودن از گناه اشتباه سهو، نسیان و غفلت است که در تمام مدت عمر خود در یک لحظه و در یک بار نیز خطا،اشـتباه و گناه از او سر نمی زند.معصوم بودن از گناه و خطا، در تمام لحظه های عمر و برخوردهای زندگانی زمانی تحقق می یابد که دانش و آگاهی فراگیر شود و به هر چیزی در هر حال علم داشـته باشد و اگر یک مورد را نداند، مقام عصمت را به نمی یابد، زیرا آن چه با عصمت سازگار نیست گناه و اشتباه و... از نادانی و جهل است و کسـی که از مصالح و مفاسد واقعی با خبر است گناه و اشتباه نمی کند.پس معصوم بودن پیامبر و امام دانش و آگاهی ا و را به تمام مصالح و مفاسد و حقایق اشیاء در هر حالی نیاز دارد.

شاهد بودن پیامبر و امام

در بسـیاری از آیات قرآن آمـده است که پیامبر شاهد و گواه بر امت است و چون شاهد بودن و گواهی دادن دانش و آگاهی را در هر حـالی لازم دارد، پس پیامبر بایـد به تمام احوال امت از ظاهر و باطن و افعال آنان آگاه باشـد تا بتوانـد در روز قیامت شاهـد و گواهیشان باشـد، زیرا اگر چنین دانشـی را نـداشت نمی توانـد شـهادت و گواهی را درباره آنان ادا کنـد. نمونه ای از آیات قرآن که شاهد و گواه بودن پیامبر را بر امت بیان کرده چنین است (و جئنا بک علی هؤلاء شـهیدا)؛ و تو را می آوریم تا بر آنان شاهد و گواه باشی (و یوم القیامه یکون علیهم شهیدا)؛

و روز قیامت پیامبر بر آنان گواه خواهد بود.(و کنت علیهم شهیداً مادمت فیهم ؛ و تا زمانی که در میان آنان هستی برایشان گواه خواهی بود.(لیکون الرسول شهیداً علیکم و تکونوا شهداء علی الناس ؛ تا پیامبر گواه بر شما باشد و شما گواه بر مردم باشید.چنان که پنج دلیل بر لزوم علم غیب پیامبر و امام آورده شد، عقل نه فقط مانعی در امکان این علم ندارد بلکه وجود آن را در پیامبر و امام لازم می داند. بزرگی و عظمت این دانش سبب نپذیرفتن آن نمی شود و چنین باوری غلو و زیاده روی نیست زیرا اگر امام دارای این ویژگی نباشد و گستره دانش او همانند دیگر افراد عادی باشد، سزاوار امامت و رهبری نخواهد بود و گزینش وی برای امامت و بی بهره کردن دیگران از آن ستم در حق دیگران خواهد بود.اگر امامت را منصب خدایی بدانیم و آن را خلافت و جانشینی از طرف خداپینداریم و امام را بیان کننده و مظهر صفات الهی بدانیم باور دانش وسیع او را زیاده روی و غلوّ نمی پنداریم و آن را از لوازم مقام امامت می شمریم

علم امام از دیدگاه قرآن و روایات

دانش گسترده و آگاهی پیامبر و امام به همه چیز و در هر حال در قرآن و روایات آمده است که نمونه ای از آیات قرآن را ذکر می کنیم سپس به نمونه ای از روایات اشاره می نماییم ۱ (قل اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و المؤمنون و ستردون اءلی عالم الغیب و الشهاده فینبئکم بما کنتم تعلمون ؛بگو عمل کنید پس خدا و پیامبر و مؤمنان عمل شما را می بینند و برگشت داده

می شوید به دانای نهان و آشکار و شما را به آنچه عمل می کردید، خبر می دهد.در این آیه به خدا رؤیت و دیدن نسبت داده شده که مقصود دیدن به چشم نیست زیرا خداوند چشم ندارد بلکه مقصود علم و ادراک می نماید، پس مقصود این است که خداوند و پیامبر و مؤمنان اعمال شما را می دانند.مقصود از مؤمنان امامان معصوم هستند، زیرا تمام مؤمنان اراده نشده اند بلکه گروه خاصی اراده شده است و آن گروه خاص امامان هستند زیرا آنان سزاوار این مقام هستند، نه غیر آنان از راهی دیگر نیز این علم و ادراک برای امامان ثابت می شود، و آن جانشین بودن امام برای پیامبر است و چون آیه به روشنی این علم را برای پیامبر ثابت می کند پس برای خلیفه و جانشین پیامبر نیز ثابت می شود. علم پیامبر و امام نیز چونان علم خدا حضوری است زیرا تمام این علوم یعنی علم خدا و پیامبر و مؤمنان در یک جمله و به یک سیاق آمده است این که علم خدا حضوری است و به چیزی وابسته نیست اما روشن است برای اثبات دلالت آیه بر علم حضوری پیامبر و امام باید به چند موضوع اشاره کنیم اوّل حرف «سین در جمله «سیری الله حرف استقبال نیست زیرا معنا ندارد که بگوییم خداوند در آینده خواهد دانست بلکه آگاهی خدا در حال حاضر است پس حرف «سین برای تأکید است نه استقبال دوم علم خدا حضوری است نه حصولی و بر چیزی توقف ندارد، زیرا علم او عین ذات اوست سوم عمل انسان

فرع وجود انسان است و خدایی که به اعمال بندگان آگاهی دارد،به خود آنان نیز آگاه است و کسی که عمل را می بیند، عامل آن را نیز می بیند.چهارم رؤیت که به خدا نسبت داده شده دیدن به چشم نیست زیرا خداوند جسم نیست و چشم ندارد تا بوسیله آن ببیند، پس رؤیت به معنای علم و آگاهی است پنجم در این آیه وحدت سیاق میان علم خدا و علم پیامبر و مؤمنان سه موضوع را می رساند: موضوع اوّل این که علم پیامبر و امام بر گذشتن زمان و بر چیزی متوقف نیست موضوع دوّم علم آنان حضوری است نه حصولی زیرا توقف بر شرطی ندارد. موضوع سوم خدا و پیامبر و مؤمنان آگاهند، به اعمال و عمل کنندگان و آن چه عمل وابسته به آن است پس تمام جهان هستی که به گونه ای درباره عمل انسان است مورد آگاهی و اطلاع خدا و پیامبر و امام است ۲ (فلا یظهر علی غیبه احداً الا من ارتضی من رسول ؛و آگاه نمی کند بر دانش های پنهان خود کسی را جز آن که پسندیده شده از پیامبران این آیه دو جمله دارد؛ جمله اوّل نفی و جمله دوم اثبات در جمله اوّل می گوید که خداوند بر دانش های پنهان خود کسی را آگاه نمی کند، و در جمله دوم این دانش های پنهان را به پیامبری که پسندیده شده آشکار می کند. تردیدی نیست که پیامبر خاتم پسندیده خداست و خداوند او را از دانش های پنهان خود آگاه کرده و چون امام جانشین پیامبر بوده او هم از

این دانش ها آگاه است ۳ (و ما ینطق عن الهوی – اءن هو اءلا وحی یوحی – علّمه شدید القوی ؛پیامبر سخن نمی گوید از روی خواسته های خود و هر چه می گوید وحی الهی است که دانا کرده او را بالاترین نیروها.این آیه دلالت دارد بر این که هرچه پیامبر می گوید، از وحی خداست و بالاترین نیروها (که نیروی الهی است او را دانا کرده پس علم پیامبر از خداست و هیچ گونه دلیلی بر محدود بودن علم پیامبر نداریم به ویژه آن که علم پیامبر از خدا به او افاضه می شود و علم خدا محدودیتی ندارد و این علم با علوم بشری تفاوت دارد و این همان علم گسترده است که پیامبر آن را از خدا می گیرد و به امام که خلیفه اوست منتقل می کند.۴ (و ما یعلم تأویله اءلا الله و الراسخون فی العلم ؛و نمی دانند تأویل قرآن را مگر خدا و راسخان در علم مقصود از راسخان در علم به یقین پیامبر است زیرا کسی جز او سزاوار این مقام نیست و علم او با علم خدا در این آیه در یک سیاق آمده است این آیه همتا بودن علم پیامبر با علم خدا را بیان می کند و چون علم خدا حضوری است نه حصولی پس علم پیامبر نیز حضوری است و به جهت آن که علم به تأویل قرآن از علوم پنهانی و غیب بوده و امام جانشین پیامبر است پس پیامبر و امام بر علوم پنهانی و غیب آگاهی دارند.۵ (و کل شـی ءٍ أحصیناه فی امام مبین ؛ و تمام چیزها را در پیشوایی روشن کننده شماره

کرده ایم این آیه بـا قطع نظر از روایات که در تفسـیر آن آمـده دلالت دارد بر این که خداونـد تمام چیزها را در قلب امام قرار داده است بـا این تعبیر علم گسترده امام به همه چیز ثابت می شود، چنان که با روایات نیز این موضوع به اثبات می رسـد، زیرا در کتـاب «تفسـیر برهان در ذیل این آیه چنـد روایت آمـده که مقصود از «امام مبین علی بن ابی طالب و امامان دیگر است در برخی از روایـات آمـده که مقصود از «امام مبین لوح محفوظ است و چنانچه تفسـیر آیه همین باشـد، لوح محفوظ در نزد امام است پس امام با داشـتن لوح محفوظ همه چیز را می دانـد.آیات دیگری نیز با کمک روایاتی که در تفسـیر آنها آمـده بر علم امـام دلالت می کنـد و (اما روایاتی که دلالت بر علم وسـیع حضوری امام دارد در یک بخش و یا یک کتاب نمی گنجـد) در این جـا مـا به برخی از عنوان هـا و ابوابی که در علم امامـان آمـده اشاره می کنیم ۱ روایاتی که می گویـد، امامان معـدن علم هسـتند. «معـدن به معنای منبع و سرچشـمه است «علم در این روایات محدود نشده و به موضوع ویژه ای تعلق نگرفته و دانش و آگـاهی به هر چیز را در هر حـالی شامل می شود - و هم چنان که جواهر گران بها در معـدن وجود دارد، علم در سـینه امامان اسـت و علم آنـان حضـوری است و بر چیزی متوقـف نیست ۲ امامـان به تمـام علومی که پیامبران و فرشـتگان می داننـد، آگاه هستند. و چنان

که پیامبران و فرشتگان از علوم پنهانی و غیب آگاه هستند، امامان نیز به آنان آگاهند.۳ امامان می دانند «چه زمانی می میرند و مگر با اختیار خودشان نمی میرند. این روایات هم چنان که در پایان این مقاله می آید، درباره این پرسش که آیا امام به شهادت خود آگاهی دارد، پاسخی مناسب است زمانی که امام به زمان مرگ خود دانا باشد،چیزهای دیگر را نیز می داند، زیرا، علم به زمان مرگ از علوم ویژه ای است که به خدااختصاص دارد و چون خداوند امامان را از آن آگاه می کند، پس دیگر علوم را نیز امامان می دانند.۴ امامان آگاهی دارند به آنچه بوده و آنچه خواهد بود و هیچ چیز بر آنان پوشیده نیست ۵ خداوند هر علمی را به پیامبر آموزش داده همان را نیز به امیرالمؤمنین (ع) آموخته است و در تمام علوم پیامبر و امیرالمؤمنین (ع) با هم اشتراک داشته اند.۶ اگر مردم می توانستند زبان خود را نگه دارند، امامان آنان را آگاه می کردند به تمام چیزهایی که به زیان و سودشان است ۷ روایاتی که می گوید، همه چیز بر امامان روشن است و از آنان هیچ چیز پوشیده نیست و آنچه را که هست به آن آگاه هستند.۸ روایاتی که می گوید، علوم آسمان ها و زمین از امامان پوشیده نیست ۹ روایاتی که می گوید، امامان آنچه را در آسمان ها و زمین و بهشت و جهنم است می دانند و هرچه را که بوده و در آینده اتفاق می افتد، به آن آگاهی دارند.۱۰ امامان آنچه را که گذشته و آنچه را که تا روز قیامت اتفاق می افتد، می دانند.آنچه بیان شد نمونه ای اندک از روایات بسیار است که

بر علم گسترده پیامبر و امام دلالت دارد و بسیار در تاریخ و روایات نقل شده که پیامبر و امام از آینده و یا امور پنهانی خبر می داده انـد، (در نهـج البلاـغه از امیرالمؤمنین (ع) در علوم و فنون گونـاگون و خبرهایی ازغیب و آینـده آمـده است) گواهی بر وجود علم وسیع امامـان است لیکن در برابر این آیـات و روایـات که بیان شـد آیات و روایاتی است که می گویـد: علم غیب مخصوص به خـداست (و عنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو)؛ در نزد خداست کلیدهای غیب و جز او کسـی آنها را نمی داند. (و لا یحیطون بشـی من علمه الا بما شاء)؛ و بندگان خدا به علم او احاطه ندارند مگر آنچه را بخواهد.(سـنقرئک فلا تنسی ؛ بر تو خواهیم خوانـد تا فراموش نکنی پاسخ آن است که این آیات علم ذاتی خدا را بیان می کند که مخصوص اوست و با آیات و روایات گذشته منافات ندارد؛ زیرا، موهبتی از خداست و ذاتی آنان نیست و مجموع آیات و روایات می گوید که علم ذاتی از آن خـداست و خداونـد پیامبر و امامان را از آن آگاه می کند.اما روایاتی که می گوید برخی از امامان می گفته اند ما فلان چیز را نمی دانیم از روی تقیّه و برای حفـظ جـان خود و یا حفظ جان شـیعیان بوده است روایاتی نیز که می گویـد امام هرگاه بخواهـد، می دانـد، در برابر روایاتی است که علم ذاتی را مخصوص خـدا می داننـد و این روایات مردود است زیرا، چه دلیلی است بر این که امام همیشه خواهان دانش نبوده و چه کسی است که نمی خواهد بداند و در بالاترین

مراتب علم نباشد. امام نیز که رهبر جامعه های انسانی در دنیا و آخرت است چرا نخواهد که تمام حالات و برخوردهای افراد جامعه را بداند تا آنان را به صلاح و شایستگی در دنیا و آخرت برساند.

امام حسین و علم به شهادت

اشاره

به پاسخ این پرسش می پردازیم که امام حسین که از هر چیزی آگاهی دارد و به شهادت خود نیز آگاه بوده و شهادت جوانان بنی هاشم و دیگر یاران را می دانسته است چرا خود و یاران خود را به شهادت نزدیک کرد و مقدمات آن را فراهم آورد؟این پرسش را می توان از چند طریق پاسخ گفت

پیروی از حکم شرع با علم عادی

امام در اطاعت فرمان خدا و فرمان بری از امر الهی به علم باطنی خویش عمل نمی کند و همانند دیگر افراد عادی رفتار می کند، و در عبادت و معامله و قراردادها با مردم و در تمام احکام شرع هم سان با دیگر افراد عادی است زیرا، خداوند تمام دستورهای خود را از تمام بندگان یک سان خواسته و بر این اساس پیامبر در حکم و قضاوت میان مردم به علم باطنی خود عمل نمی کرد و قضاوت خود را در میان مردم بر علم عادی قرار داده بود، چنان که می فرماید:«انما اقضی بینکم بالبینات و الایمان و بعضکم ألحن بحجته من بعض فأیما رجل قطعت له من مال أخیه شیئاً فاءنما قطعت له به قطعه من النار»؛همانا من قضاوت می کنم میان شما به شاهد و یمین و برخی از شما در اثبات ادعای خود زیرک تر است پس هر مردی که از مال برادرش چیزی را به سود او گرفتم و به او دادم آن مال همانند پاره ای از آتش است مقصود این است که هرکس بر ادعای خود شاهد داشت و یا سوگند یاد کرد، من به سود او قضاوت می کنم چه راست بگوید و چه دروغ و اگر به دروغ چیزی را گفت همانند پاره ای از آتش است

بنابراین هرچند به علم خدایی امام شهادت خود را بداند، باید به وظیفه عادی اش عمل کند و شروط و ظروف متعارف را در نظر بگیرد و رفتار خود را بر آنها تطبیق کند، و اگر امام بخواهد در برخورد با مردم با علم خود عمل کند؛ حدود را جاری کند، از بسیار خوراکی ها و پوشاک ها و نوشیدنی ها بپرهیزد و دیگران را نیز از آن ها دور کند. و از باطن پلید و گناهان پنهانی مردم باید خبر دهد که در این صورت نظم اجتماعی به هم می خورد.

شهادت سعادت است

شهادت در راه خدا آرزوی بزرگ مردان خداست و بالاترین عبادت ها و سعادت هاست و بسیاری از شهدای اسلام از جنگ بدر که نخستین جنگ کفر با اسلام است تا امروز، از شهادت خود با قراین و شواهدی که بوده آگاهی داشتند و با این علم و آگاهی به استقبال آن رفتند و این آرزو و پیشوازی شهادت مورد تحسین و تقدیر پیامبر و امامان و تمام عقلای بشر بوده است

روشنگری و ارشاد

اشتراک در احکام دین در فقه به ضرورت ثابت است و یکی از قواعد ثابت در فقه قاعده اشتراک در احکام شرع است بدین معنا که مردان و زنان از صدر اسلام تا پایان جهان در عمل کردن به احکام دین و پیروی از قوانین شرع مشترک بوده و یکسان اند و همان وظیفه ای را که مسلمانان مخاطب قرآن و روایات در زمان پیامبر داشته اند، مردم تا روز قیامت دارند.روشن است که آگاهی به حکم خدا و توجه به آن رکن اصلی و اساسی در عمل کردن به احکام دین است و مسلمانی که بخواهد با دیگر مسلمانان در پیروی احکام خداشریک باشد باید از آن احکام آگاهی داشته باشد.آگاه کردن مردم و ارشاد آنان به احکام دین وظیفه پیامبر است که مبلّغ دین وپیام آور از سوی خداست و پس از پیامبر امام معصوم در تمام مناصب به جز مناصبی که ویژه پیامبر است مانند وحی جانشین و خلیفه اوست انحراف از مسیر دین و دورشدن از احکام الهی که پس از رحلت رسول خدا (ص) پایه گزاری شد و در زمان یزید به نهایت خود رسید، بر

امام حسین (ع) که خلیفه رسول خدا در تبلیغ دین بود ایجاب می کرد که مردم را از این انحراف و دوری بازدارد و آنان را در مسیر واقعی اسلام قرار دهد و به پیروی از قرآن و سنت وا دارد.انحراف و دوری از دین خدا با تظاهر به فسق گناه می گساری و قمار از سوی دولت مردان به ویژه یزید در جای گاه حاکم مطلق اسلام و جانشین مقام رسالت حکومت دینی را در قبضه خود گرفته بود، سبب شد که امام حسین (ع) برای روشن ساختن حقیقت دین و ارشاد مردم قیام کند و این موضوع از سخنان امام برمی آید که می فرماید:«ای مردم همانا پیامبر خدا (ص) فرمود، هرکس سلطان ستمگری را ببیند که حرام خدا را حلال دانسته و عهد خدا را شکسته و با سنت پیامبرش مخالفت کرده و گناه و عدوان را درباره بندگان خدا به کار گرفته است و در برابر او واکنش نکند و با گفتار و یا کردار خود بر او اعتراض ننماید بر خداست که او را با آن سلطان ستمگر در جهنم همراه سازد.ای مردم بدانید که اینان (یزید و دولت مردان پیروی از شیطان را بر گردن نهاده و پیروی از خدای رحمان را رها ساخته اند و تباهی را آشکار نموده و حدود خدا را تعطیل و بیت المال را ملک شخصی خود دانسته و حرام خدا را حلال و حلال خدا را حرام ساخته اند».امام حسین (ع) با این گونه سخنان در کار یزید و پیروان او روشنگری می کند و می خواهد غبار جهل و نادانی را از ذهن مردم بزداید و

آنان را به دین خدا آگاه سازد.این جهل و انحراف که سالیان درازی پی ریزی شده بود، تمامی امت اسلام را فراگرفته بود تا جایی که شخصیتهایی را مانند برخی از بنی هاشم و سیاست مداران وادار کرد که امام حسین (ع) را از سفر بازدارند و او را از رفتن به عراق منع نمایند.همین جهل سبب بی وفایی اهل کوفه شد که دست از یاری امام برداشتند و او را به دشمن بسپارند. امام حسین (ع) با قیام خود خواست دل های مرده را زنده کند و ضمایر را آگاهی بخشد و دین خدا را روشن سازد، تا مردم به آن آشنا شوند و به آن عمل کنند و آن را برای نسل های پس از خویش به ارث گذارند. امام حسین (ع) می دانست که این جهل و نادانی عذری برای مردم نیست و نمی تواند آنان را در محضر حکومت خدا تبرئه نماید.عمق این نادانی تا جایی رسیده بود که مردم از روشن ترین مسائل اسلام نیز غافل مانده بودند و موضوعی را همانند حکومت اسلامی و جانشینی پیامبر که از ارکان اسلام و واضح ترین موضوع های آن است فراموش کردند و آن را به نا اهل سپردند.امام با روشن ساختن آن مردم را به وظیفه خود آشنا می نماید و می گوید:«ای مردم اگر شما پرهیزگار و خداترس باشید و حقیقت را بدانید برای شما پسندیده تر است در حالی که درباره سرپرستی این امر، ما اهل بیت محمد (ص) سزاوارترهستیم از این گروهی که ادعا کرده اند؛ چیزی را که برای آنان نیست گروهی که با ستم و عدوان با مردم رفتار می کنند.در نامه ای که به اهل بصره

می نویسـد، می فرمایـد:همانا خـدا، محمد (ص) را برگزید و او را با پیامبری گرامی داشت و برای رسانیدن پیام خود اختیارش نمود، سـپس او را به سوی خود برگرفت و پیامبر بندگان خدا را نصـیحت کرد و پیام خدا را به آنان رسانید و ما اهل بیت او و اولیا و اوصـیا و ورثه او و سـزاوارترین مردم به مقام او هستیم لیکن مردم دیگران را پیش انداختنـد و ما برای اتحاد مسـلمانان و ایجاد نکردن شـکاف میان صفوف آنان چیزی نگفتیم و به آن راضی شدیم در حالی که ما سزاوار این حق هستیم نه آنانی که به آن رسیده اند».امام (ع) با این سخنان روشن می سازد که بنی امیه شایستگی حکومت را ندارند و باید برضد آنها قیام نمود: او بـا قیـام عـاشورا، مردم را ارشاد و هـدایت کرد و این تبلیغ و روشـنگری در قیام عاشورا با تمام جزئیات آن تحقق پـذیرفت و هماننـد جـدش رسول خـدا که در آغاز بعثت تنها بود، انـدک بودن یاران او را از تبلیغ دین جدا نکرد.امام عقیده دارد که اگر در راه تبلیغ دین و ارشـاد مردم جـان خود را از دست بدهـد سـزاوار است «آیـا نمی بینیـد که به حق عمـل نمی شود و از باطل دوری نمی شود. در این زمان باید مؤمن به ملاقات پروردگار و مرگ تن دهد».و می فرماید:«شگفتا، زنازاده فرزند زنازاده مرا میان دو چیز مجبور کرده است میان مرگ و ذلت هیهات که ما ذلت و خواری را بپذیریم خداوند پذیرش ذلت و خواری را بر ما و بر پیامبر و مؤمنان روا نداشته است دامن های

پـاک اصـالت و شـرافت خانـدان همت والا ـ و عزت نفس مـا هرگز اجازه نمی دهـد که اطاعت فرومایگان را بر مرگ شـرافت مندانه ترجیح دهیم .و می فرماید:«مرگ در راه رسـیدن به عزت و شرف و زنده ساختن حق چه آسان است مرگ در راه عزت جز زنـدگی جاویـد نیست و زنـدگی بـا ذلت مرگی است که حیات پس از وی نیست مرا با مرگ می ترسانی هیهات تیرت به خطا رفته و کمانت به پوچی رسیده آفرین به مرگ در راه خدا».

امر به معروف و نهی از منکر

پشـتوانه اجرایی دیگر احکـام شـرع دو فرع از فروع دیـن امر بـه معروف و نهی ازمنکر اسـت نظـارت عمـومی افراد مسـلمان بر یکدیگر جامعه اسـلامی را به سوی سعادت و کمال سوق می دهد.قیام عاشورای حسینی در برابر یزید و کارگزارانش برای امر به معروف و نهی از منکر بوده است هر چند در این راه جان خود را از دست داد و به آن آگاه بود، زیرا زمانی که اصل اسلام در خطر باشـد و احکام اصولی همانند امامت بازیچه دست سـتم گران گردد و جامعه اسـلام با شـتاب به سوی بی دینی و فساد حرکت کنـد، باید برای بازداشـتن مردم از این حرکت قیامی صورت گیرد تا در دورترین جاهای جهان مردم را آگاه کند و از حرکت زشت جلوگیری کننـد.امام حسـین (ع) در توجیه قیـام کربلا ـ و حرکت خود از امر به معروف و نهی از منکریـاد کرده است چنان که می فرماید: «می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و بر روش جدم و پدرم حرکت کنم » و درباره

به خطر افتادن دین و نابودی آن در زمان یزید،چنین فرموده است «و علی الاءسلام السلام اءذ بلیت الامه براع مثل یزید؛ زمانی که سرپرستی اسلام به دست یزید باشد باید اسلام خداحافظی کرد و از آن چشم پوشید».

علم به شهادت و حرمت اضرار به نفس

اعتراض و اشکالی می شود که علم به شهادت با حرمت ضرر رساندن به نفس سازگار نیست زیرا از یک سو، می دانیم که زیان رسانی به جان و خود را در جای گاه کشته شدن قراردادن خودکشی است و در شرع حرام است و از سوی دیگر امام که می داند کشته خواهد شد اگر با پای خود به سوی مکانی که در آن کشته می شود برود، خودکشی کرده و حرام است چون امام معصوم است و کار حرام نمی کند پس باید بگوییم که امام از شهادت خود خبر نداشته است پاسخ این است که جنگ در راه خدا برای تبلیغ دین و ارشاد مردم و برای امر به معروف و نهی از منکر و حفظ اسلام از نابودی و دیگر اهداف والا، خودکشی و زیان رسانی به جان نیست وگرنه باید باب جهاد بسته شود و به بهانه حرمت اضرار به نفس هیچ حرکتی بر ضد دشمنان دین نشود و آن همه فداکاری از جان گذشتگی و ایثارگری که از آغاز اسلام تا امروز برای احیای دین انجام شده همه حرام و مبغوض خدا باشد.مفسران اهل سنت در ذیل آیه شریفه (و لا تلقوا بایدیکم اءلی التهلکه ؛ خود را با دستهای تان در هلاکت نیفکنید، روایاتی را آورده اند که شهادت در راه خدا، از مدلول این آیه بیرون است و حرام نیست زمخشری از ابو

ایوب انصاری نقل می کند که می گفت ما معنای این آیه را می دانیم زیرا همراه پیامبر بودیم و او را یاری می دادیم و در جنگ ها با او شرکت می کردیم و خانواده و اموال خود را رها کرده بودیم و چون اسلام پیشرفت کرد و مسلمانان بسیار شدند و جنگ با کفار پایان یافت ما به خانواده و فرزندان و اموال خود برگشتیم و به اصلاح آن ها اشتغال یافتیم پس «هلاکت رها کردن جهاد بود که در آن افتادیم و از فیض جهاد محروم شدیم فخر رازی روایتی آورده که زمانی پیامبر در اوصاف بهشت سخن می گفت مردی از انصار به او گفت اجازه می دهی در جنگ خود را به کشتن دهم فرمود: بهشت برای تو خواهد بود پس برخاست و خود را به قلب دشمن زد و حمله برد تا در برابر رسول خدا (ص) کشته شد.و مردی دیگر پس از آن که پیامبر بهشت را توصیف کرد، زره خود را بیرون آورد و دور انداخت و خود را در انبوه دشمن انداخت و به آنان حمله برد تا کشته شد.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹